

بنده هیچ قصوری نشده است و گمان میکنم فاصله مابین شعبه و مجلس فاصله ممتدی نیست و تصور میکنم که هیچ نظر خارجی و خصوصی در این کار نبوده بنده الان حاضر راپورتش را بنویسم و تقدیم مجلس کنم که در بعضی پیش آمد ها قصور و تقصیر بینده متوجه بشود که تصور بکنند یک نظر در تعطیل او او بوده است .

**رئیس** - گمان میکنم بیش از این لازم نباشد در این باب مذاکره شود همانطوریکه عرض کردم فرداش و پس فردا شب این سه شعبه منعقد خواهد شد شعبه پنجم فقط باید راپورتش را بنویسد فردا شب مخبر بنویسد - آن دو شعبه دیگر هم شب بعد می نشینند و رأی میدهند انشاء الله این سه راپورت برای جلسه بعد حاضر میشود .

**سلطان العلماء** - اجازه میخواهم .

**رئیس** - در چه باب ؟

**سلطان العلماء** - در باب کابینه .

**رئیس** - این مسئله در اینجا مطرح نیست .

اگر مخالفی نباشد جلسه را ختم میکنم .  
( پنجساعت و چهل دقیقه از شب گذشته )

( مجلس ختم شد )

**جلسه ۷۵**

**صورت شرح مجلس شب شنبه ۱۸ رمضان المبارک ۱۳۳۳**

مجلس تقریباً ۳ ساعت و نیم از شب گذشته در تحت ریاست آقای موتمن الملک تشکیل و صورت مجلس شب چهار شنبه پانزدهم قرائت گردید غائبین بدون اجازه - آقایان حاج شیخ اسمعیل سردار معتمد - حاج شیخ اسد الله - نجفقلی میرزا آقا سید فاضل

غائبین با اجازه - حاج امام جمعه نظام السلطان **رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی هست یا نیست ( ایرادی نبود ) صورت مجلس تصویب شد شعبه ششم و اول بنا بود پریشب و دیشب منعقد شود منعقد نشدند راپورتی هم که شعبه پنجم داده بود مخبر کمیسیون امضاء بکنند گویا امضاء نکرده گمان میکنم برای اینکه باید باین قبیل ترتیبات خاتمه داده شود و اعتبار نامه ها اینطور در شعبه نماند بهتر این است که جزو دستور گذاشته شود اهم از اینکه مخبر امضاء بکنند یا نکنند یکی از منشی ها یا یکی از امضاء شعبه میخوانند و اگر لازم شد رأی میگیریم باین ترتیب مخالفی هست ؟

**حاج شیخ یوسف** - شعبه اول دیشب منعقد شد اگر امضاء شعبه هم حاضر بودند و یک مقداری هم باعتبار نامه سیددار مراجعه شد ولی بعد بواسطه کافندیکه از ایشان رسیده بود در قبول و کالت تردید کرده بودند از این جهت راپورت داده نشد و بمقام ریاست عرض شد

**رئیس** - صحیح میفرمائید راپورت شعبه اول الان رسید مقصود راپورت شعبه پنجم و ششم بود **آقا میرزا ه ششم** - عرض میکنم در خصوص شعبه ششم هم شش نفر از امضاء حاضر شدند بالاخره قرار شد شب بعد از جلسه باعتبار نامه آقای صدر السلام مراجعه شود

**رئیس** - در هر صورت این دو فقره مطلب جزو دستور آتیه خواهد بود ولو اینکه راپورت

بدهند یا ندهند دستور امشب طرح آقای حاج عز المالك است راجع به تمدید مدت مأموریت کمیسیون تفتیش و نظارت مالیه باید اول قابل توجه بودن آن رأی بگیریم بعد قانون مستغلات بعد رسیدگی باعتبار نامه آقای قوام - الدوله مطرح خواهد بود چون طرح آقای حاج - عز المالك مختصر تر است اگر مخالفی نباشد در آن مذاکره میشود

راپورت کمیسیون مبتکرات راجع بطرح قانونی ( آقای حاج عز المالك بمضمون ذیل قرائت گردید )  
**کمیسیون مبتکرات** در یوم شنبه ۲۰ شهر شعبان در تحت ریاست آقای شریعتمدار منعقد گردید در باب طرح قانونی راجع بتمدید و تجدید مدت کمیسیون نظارت که از طرف آقای حاج عز المالك شده بود مذاکرات بعمل آمد کمیسیون مزبور طرح مذکور را قابل توجه دانسته و فوریت آنرا در مجلس مقدس تمنی مینماید .

**رئیس** - آقای حاج شیخ اسد الله مخالفید ؟

**حاج شیخ اسد الله** - خیر چون مخبر کمیسیون هشتم میخواهم توضیح بدهم این طرحیکه آقای حاج عز المالك پیشنهاد فرمودند و راپورتیکه بمجلس آمده است مدتی طول کشیده است تاریخ آن از دهم سرطان است تا مدت یکماه گمان می کنم تا وقتیکه از مجلس بگذرد و مدتش منقضی شده باشد عقیده بنده این است تاریخ را از بیستم رمضان قرار بدهیم و این مسئله که بکمیسیون می رود در آنجا اصلاح شود .

**رئیس** - در کمیسیون قوانین مالیه اصلاح می شود حالا بقابل توجه بودن این پیشنهاد رأی بگیریم .

**سردار معظم** - بنده در اصل مطلب کمال موافقت را دارم ولی این نکته را لازم میدانم در مجلس گفته شود مدتی است قانون تشکیلات از مجلس گذشته و مطابق قوانین مملکتی باید تا بحال تمام سیرهای قانونی خودش را کرده باشد که دیگر محتاج باین رأی نشویم بجهت اینکه قانون تشکیلات مالیه بعوض کمیسیون سه نفری یک کمیسیون تفتیش را معرفی کرده است و خیلی لازم میدانستم بعد از آنکه یک وزیری پیدا شد تا کیدات لازمه بشود که هر چه زود تر قانون تشکیلات مالیه بموقع اجرا گذاشته شود .

**رئیس** - اول باید در قابل توجه بودن این پیشنهاد رأی بگیریم بعد چون کمیسیون مبتکرات تقاضای فوریت کرده فوریت آن رأی بگیریم اگر فوریت تصویب شد از کمیسیون که برگشت یک شور می شود و اگر فوریت تصویب نشد که شور شود آقایانیکه طرح آقای حاج عز المالك را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

( همه کثیری قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد آقای مخبر راجع بفوریت توضیحاتی دارید بفرمائید

**حاج شیخ اسد الله مخبر** - توضیحات بنده در این موضوع همان بلا تکلفی مالیه است که نهوزیری دارد نه معازنی یک نفر در وزارت مالیه نیست که اختیاراتی داشته باشد و یک نظارتی بمصارف و مخارجی که در وزارت مالیه می شود داشته باشد هیچ توضیحی بهتر از این نیست که لازم است یک اشخاصی در آنجا

باشند و راجع بمصارف و مخارج مملکتی افلا یک نظارتی داشته باشند و گمان می کنم هر چه زودتر این مطلب از مجلس بگذرد خیلی نافع و صلاح مملکت باشد .

**سردار معظم** - بنده با رأی فوریت حالبه مخالف هستم بمعقیده بنده فرق نمیکند این لایحه ممکن است حالا بکمیسیون قوانین مالیه برود پس از برگشتن از کمیسیون این کار را بکنند زیرا گمان بنده این است کمیسیون قوانین مالیه هم با رأی کمیسیون مبتکرات موافقت داشته باشد پس از مراجعت از کمیسیون قوانین مالیه ممکن است بفوریت رأی گرفته شود و یک شور بشود .

**رئیس** - رأی می گیریم بفوریت این طرح قانونی که کمیسیون مبتکرات تقاضا کرده آقایانیکه فوریت این طرح را تصویب می کنند قیام نمایند اغلب نمایندگان قیام نمودند

**رئیس** تصویب شد کمیسیون باید در موقع تنفس منعقد شود و مذاکره شود و بعد از تنفس بیاورند بمجلس و رأی گرفته شود و راجع بقانون مستغلات در جلسه گذشته برای داخل شدن در شور مواد رأی گرفتیم حالا قرائت میشود .

( بمضمون ذیل قرائت شد )

ماده اول - برای کلیه مستغلات از قبیل دکا کین مغازه ها خانهای اجاره انبارها کاروانسرا نهانمایش گاه ها یخچال ها قهوه خانه ها میدانها و غیره در شهر ها و قصبات عمده مالیات مستغلات بر قرار می شود .

**سلیمان میرزا** - چنانچه همه مسبق هستند این مالیات شهرست عموماً و بطور کلی باید از برای نظمه و بلندیه صرف شود و هر کس بهر اندازه که از امنیت شهر انتقاد میکند بهمان اندازه در مخارج آن سهم و شریک باشد بنا بر این بنده نمیدانم بچه مناسبت اشخاصیکه خانه های بزرگ ملکی دارند باید از مالیات مستغلات معاف باشند در صورتیکه یک نفر پلیس برای محافظت ده خانه صدزرعی کافست و از برای یک پارک شاید ده نفر از آن هم کم باشد این مالیات یک مالیات مستقیمی است و هر کس بیشتر از مملکت استفاده میکند باید بیشتر خرج آن استفاده را بدهد این جا بنده می بینم بالمره از متمولین یعنی از اشخاصیکه صاحب خانهای بزرگ و پارک هستند صرف نظر شده است و فقط بقرا و ضعفا منحصر شده است مسلماً فقرا وضعفا آن قدر استطاعت ندارند که خانه ملکی داشته باشند و اغلب بواسطه نداشتن استطاعت خانه اجاره میکنند و الا یک خانه ملکی میخریدند بنا بر این آن کسانی که دار ثیشان بقدر کافی نیست باید مالیات بدهند اما آن اشخاصی که شاید صد هزار تومان داده اند یک پارک خریده اند و سایر لوازم زندگانی او را هم دارند و بیشتر از سایر مردم از این مملکت استفاده میکنند آنها باید از این مالیات معاف باشند بنده بکلی باین ترتیب مخالف هستم و گمان میکنم در اینجا بطور مطلق باید خانه ها عموماً قید شود و لفظ اجاره قید زائد نسبت خانه ملکی هم همان حکم را دارد و همان نتیجه از آن گرفته میشود پس باید بطور کلی (خانها) نوشته شود .

**حاج شیخ محمد حسن گروسی** - ترتیبات مالیات از روی عایدات است خانه های مسکونی خواه مال متمول خواه فقیر متمول که جزو مایحتاج خودش است

و جزء عایدات او محسوب نمی شود نهایت امر یک کسی است که باندازه وسعت خودش عمارت عالی را دارد و یک کسی است که باندازه مال خودش یک خانه کوچک تر چون خانه مسکونی میباید احتیاج اشخاص و دارلسکنای آنها است چنانچه در خیلی از موارد مستثنا شده است این جا هم نمی شود تصدیق کرد که بخانه ها بر سبیل اطلاق مالیات بسته شود .

**میرزا محمد علیخان** - عرضی که میخواستیم بکنیم یکمندان زیاد آنرا شاهزاده سلیمان میرزا اظهار داشتند معلوم است که مقصود از فلسفه مالیات و تحمیلاتیکه بر اهالی یک مملکت از آن مالیات میشود برای این است که بتوان احتیاجات آنها را رفع کرد از قبیل تأمینات و تنظیمات بخصوص معلوم است که باید اهالی یک مملکت به نسبت سهم خود باید برای مخارج مملکتی مبلغی بدهند نسبت بقانون مستقلات هم اگر فرضاً مخارجی را که در مقابل این عایدات میشود بخواهیم معلوم کنیم از هر قبیل که باشد بخانه های بزرگ بیشتر سهم تعلق می گیرد تا بخانه های کوچک ممکن است یک نفر در مساحت دو هزار ذرع زمین خانهای داشته باشد که یکی از آنها خودش ساکن باشد و یکی دوتای دیگر را اجاره بدهد و در مجاورت آن ممکن است یک کسی خانه داشته باشد که دوست هزار ذرع مساحت آن باشد و خودش ساکن باشد این کسی که در یک خانه دوست هزار یا صد هزار زرعی ساکن است مالیات ندهد و آن کسیکه صد ذرع خانه دارد چندین برابر کمتر از آن اولی مالک است و از حیث ثروت و مالکیت و غیره پست تر است مالیات بدهد بنده این را یک تکمیل فوق العاده نسبت باین قبیل اشخاص میدانم و نسبت بطرز مالیات بندی هم راجع بمالیات مستقلات شاید عرایض داشتم و یک شکل دیگری به نظرم میآید ولی در اظهارش امساک کردم برای اینکه مشکلاتی پیش نیاید و در کلیات هم که رأی دادم خیال میکردم شاید در اظهاراتیکه در ماده اول میشود تسهیل و تصحیح بکنند آنچه را که در نظر بوده و آن مسئله این است که عرض میکنم یک کسی که یک یاغ وسیعی یا یک پارک خانه مسکونی او است از دادن مالیات مستقلات معاف است و همین طور یک کسی که ده یک یا صد یک او از چه حیث مساحت زمین و چه از حیث قیمت آنرا دارد و خودش ساکن است او هم دیناری ندهد اما دیگری چون یک خانه را اجاره داده است و عایدات فوق العاده ندارد باید مالیات بدهد اینجا از این نقطه نظر بلکه باین قبیل اشخاص تکمیل نشود باید فرض این را هم بکنیم که ممکن است شخصی خانه اجاره بدهد و یک خانه غیر از خانه مسکونی خودش داشته باشد و از آن باب عایداتی داشته باشد اما اختلال معاش یا امر شخصی او در واقع آن شخص را یک آد با ثروت معرفی نکند و شخصی نباشد که ثروت فوق العاده برای او فرص شود اما دیگری که در یک خانه خیلی وسیعی سکنی دارد و دارائی و ثروت او هم خیلی زیاد است و ممکن هم دارد بصرف اینکه خانه اجاره نداده است خانه مسکونی خودش از آن مالیات معاف باشد بنده این ترتیب را صحیح میدانم و تکمیل میدانم لذا کراتی که در کلیات این قانون میشد شاید بکفایتی اغراق بود از حیث اینکه بخواهیم

جلوگیری از تحمیلات کردیم باشیم زیرا در هر مملکتی مسلم است مردم باید مالیات بدهند تا از جمع آوری آن مالیات رفع احتیاجات مملکتی بشود در مملکت ایران هنوز فقر و عدم بضاعت اجازه نداده است ولی باید بدانیم که ما نسبت بسایر ممالک دنیا هنوز مالیات هنگفتی نمیدهیم شاید اغلب ممالک دنیا اگر سرشماری حساب کنیم از هر یک نفری ۳۵ قران الی ۳۸ قران مالیات می گیرند در مملکت ما هنوز اینطور نیست ولی باین تفصیل مقصود بنده این است که مالیات باید باندازه تمکن و ثروت اشخاص تعلق بگیرد و بنا بر این ترتیب بنده باین ماده مخالفم .

**سردار معظم** - بلکه اگر نظر ما را فقط معطوف به بر قرار کردن مالیات مستقلات میگردیم آنوقت بنده هم حق میدادم که تفاوتی ندارد و همانطوریکه سایر مستقلات مالیات میدهند همانطور هم خانهای مسکونی باید آن مالیات را بدهند زیرا اگر فرضاً صاحبان آن خانه های نقدی از آن خانه ها ندارند ولی همان پولی که باید برای اجاره خانه بدهند در کیسه آنها میماند علاوه از تمام نعمات امنیتی که سایرین بهر مند میشوند آنها هم بهر مند میشوند ولی بدو ملاحظه کمیسیون قوانین مالیه مجبور شد این نظر کلی مسمول تمام دنیا را تغییر بدهد و یک نظریکه باوضاع ایران موافق تر است اتخاذ کند باین جهت این نظر را اتخاذ کرد یک نظر کمیسیون موافقت با نظر آقای میرزا محمد علیخان یعنی مراعات حال فقرا و یک نظر دیگرش اجرای قانون بوده است وقتی که این دو نقطه نظر را داشته باشیم قهراً مجبور میشویم که این نظری را که کمیسیون اتخاذ کرده است اتخاذ کند و بالاخره اساس مالیات مستقلات را بر خود مستقل قرار ندهیم و بگوئیم یک سهمی از آنرا برای رفع حوائج مملکتی بدولت بدهند نظر کمیسیون این بود که از کلیه عایداتی که از کلیه مستقلات از برای مالک حاصل میشود یک سهمی را بدولت بدهند و از این نقطه نظر املاک مستقل را مقایسه کرده است با املاک غیر مستقل و همانطوریکه بنده از یک دهی عایدی دارم و دولت آن ده مرا حفظ میکند البته بنده مجبور هستم یک مبلغی بدولت بعنوان مالیات بدهم همین قضیه در املاک مستقل هم هست و هیچ فرق نمیکند پس از این نقطه نظر مالیات مستقلات بر عایدات مستقل برقرار شده است نه بر کلیه مستقلات دیگر اینکه عرض کردم نظر کمیسیون بیشترش برای رفاه حال فقرا بود بعضی از آقایان فرمودند بر خلاف عدالت است اشخاصیکه پارکهای دوست هزار زرعی دارند معاف باشند بنده عرض میکنم قانون که نوشته میشود اکثریت مردم در نظر گرفته میشود نه یک عده قلیلی که در واقع در حکم مستثنیات هستند اگر مراجعه کنیم بتمام مملکت ایران خواهیم دید عده کسانیکه بی بضاعت هستند و خانه مختصری از خودشان دارند که در آنجا زندگی میکنند چندین مرتبه زیاد تر است از آن اشخاص متمولی که برای آسایش و راحتی خودشان و خانه خانه های بزرگ و یا پارکها و عمارت های خیلی بزرگ رفته اند پس اگر ما بطور مطلق یک قانونی را بر قرار میگردیم خانه های مسکونی را داخل میگردیم

عوض اینکه فشار این قانون بر متمولین وارد شود آنوقت فشار این قانون بر فقرا بیشتر داده میشود بالاخره اگر چیزی از حیث مسکن معمول میشد وقتیکه او میدید آخر ماه مأمور میبود در خانه محقر او و مطالبه مالیات میکند یقین دارم که آن آدم هیچ وقت از این قانون اظهار خرسندی نمی کرد پس باین نقطه نظر بود که کمیسیون قوانین مالیه برای رفاه حال ضعیفا و فقرا این طور قرار داد و نظر دیگری هم که بود نظر با اجرای قانون بود البته قانون را ممکن است از دو نقطه نظر نوشت یکی از نقطه نظر کتابی بدون مقید بودن با اجرای آن کتاب جساراً عرض خواهم کردم این قانون شمر خواهد بود اگر قوانینی را که ما می نویسیم یک محسنات فرضی برای او ذکر کنیم و رأی بدهیم اگر دقت نشده باشد و مراعات وسائل اجراء آن قانون نشده باشد آنوقت این قانون بدون این که اجراء شود مطرود خواهد شد قانون مستقلات در هر صورت یک قانون تازه است و مخصوصاً وقتیکه میخواهند یک قانون مالیاتی وضع کنند تجربه بما نشان داده است که باید خیلی با احتیاط آن قوانین را وضع کرد و باید خیلی مراعات شود و در عوض آنکه یک نتیجه خوبی برای دولت عاید شود یک مضراتی برای دولت حاصل نشود برای این احتیاط حکم میکنند که ابتداء برای سایر مستقلات مالیاتی بر قرار کنیم و این قانون اجراء شود و مالیات آنها اخذ شود برای مردم هم معلوم است یک تحمیلی نیست و از برای بنده که یک دکانی دارم و یک عایدی از آن تحصیل میکنم با آن شخص که یک ملک مزروعی دارد و مالیات میدهد هیچ فرق نمیکند لهذا از نقطه نظر عدالت هم صحیح است و هیچ تفاوت ما بین ملک مزروعی و ملک مستقل گذاشته نشده و مردم هم با کمال میل و رضایت این مالیات را میدهند پس از آن بعد از یک دو سال دیگر اگر دیدیم همین محل محل خوبی است آنوقت هم هیئت مقننه باقیست و ممکن است تجدید نظری در این قانون بفرمایند و خانه های مسکونی را هم بر این خانه ها اضافه بفرمایند و این قانون تکمیل شود بالاخره در اصل این قانون سه نظر متضاد است که بنده عملاً تصور میکنم نظر وسطی که همان نظر کمیسیون قوانین مالیه است بهتر آنست که یک عده که با این ساده مخالف هستند برای این است که چرا خانهای اجاره داخل است و عقیده آنها این است که خانها کلیتاً معاف باشند پس بعقیده بنده برای اینکه یک زمینه اصلاحی برای این دو نقطه نظر باشد خوبست آقایان تصدیق بنمایند آن خانهاییکه اجاره میروند و منفعتی برای صاحبانش حاصل میشود مالیات بدهند و خانهای مسکونی از مالیات معاف باشند .

**منقصر السلطان** - مخیر محترم فرمودند در این قانون یک اندازه ملاحظه حال ضعیفا و فقرا شده است بنده میخواهم عرض کنم که در واقع ملاحظه حال اغنیاء و سرمایه داران بیشتر شده است دلیل و فلسفه این مطلب هم این است که اگر ما میخواستیم دقت و ملاحظه در این کار بکنیم و فقرا و ضعیفا را در نظر داشته باشیم بهتر این بود که از طرف کمیسیون نوشته میشد خانهاییکه در مرکز زیاد از سالی پنجاه تومان یا شصت تومان مال الاجاره ندارد در ولایات



بیست و پنج تومان تا سی تومان از دادن مالیات معاف باشند و سایر خانها مالیات بدهند در این صورت ملاحظه حال ضعیف و فقرا را کرده بودیم بواسطه اینکه هیچ فقیری و بی بضاعتی خانه اش ماهی صد تومان و پنجاه تومان که سالی شصصد تومان و هزار و دویست تومان میشود اجاره نداده همیشه خانهای فقرا سالی شصت تومان و سی تومان و پنجاه تومان است اگر اینها را استثناء بکنیم و اینطور آنوقت اسم آنها عدالت و ملاحظه حال فقرا و ضعیف میشود گذاشت بنده میخواهم عرض کنم که در اینجا ما کاملاً مراعات اغنیاء را کردیم نه ملاحظه حال فقرا را و اینکه یک نفر از نمایندگان محترم مثل راکه اگر یک کسی ملکی داشته باشد برای حوایجش است و نباید مالیات بدهد پس ما هم میتوانیم بگوئیم آنهاست که دارای قراء و قصبات هستند آنها هم بنا بر نظر همین نماینده محترم برای احتیاجات خودشان خریدند یا با رعیتی که گندم و جو و غیره زراعت میکنند برای احتیاجات خودش میکنند و نباید مالیات بدهند در اینجا ما نمیتوانیم احتیاج را ملاحظه کنیم فقط باید نظر بدارائی و سرمایه باشد هر کس که مالیات میدهد نسبت بدارائی خودش است یکی یکدست خانه دارد یکی پنج قریه دارد منتهی مالیات قریه و قصبات از برای مخارج ملکیتی و قشونی و غیره است مالیات خانها از برای محافظت شهر و نظمی و بلدیة است چنانچه اگر دو نفر داشته باشیم در مجلس گذشته دوره دوم بواسطه نان در شهر طهران مجلس مجبور شد متجاوز از سیصد هزار تومان از اصل مالیات تصویب کرد که اهالی شهر تهران از بابت نان راحت باشند مصارف هر شهری را باید اهالی آن شهر بدهند لهذا عدالت این است که خانه ها هم مالیات بدهند .

مالیات باغیا بیشتر تعجیل شود تا بفقرادرا بنده در اغلب از آقایان بعضی بیانات فرمودند و بنده زاید میدانم چیزی عرض کنم ولی ممکن است نسبت به خانهای کوچک که بقرا مالک هستند معین کرد که خانهاییکه تا دویست پنجاه و سیصد تومان قیمت دارد از دادن مالیات معاف باشد ولی آنجنه که ما تصور میکنیم که باید بر عایدات مالیات بستن را نمیشود کاملاً بوقع اجرا گذشت زیرا ممکن است یک اشخاصی عایدات فوق العاده داشته باشند و یک مقدار آنرا صرف چندین یارک و چندین خانه هالی و گردش کاهها و بیلاقیات بکنند و ما بگوئیم اینها عایداتی نخواهد داشت و برای آنها هم فرقی نخواهد کرد و چندین یارک و چندین عمارت داشته باشند و از این نقطه نظر ممکن است یک سرمایه داری فقط یک کرور قیمت یارک و خانه او باشد واز آن بابت چیزی ندهد ولی فلان آدمیکه ماهی پنج تومان کرایه خانه میدهد و این مبلغ را برحمت از دسترنج خود تحصیل میکند باید بهمانی در سال مالیات بدهد و علاوه طبیعی است که اگر مالیات هزار نفر از اینها را حساب کنیم تازه بقدر یک نفر که دارای یک یارک باصارت است نخواهد شد بنابراین اگر تری را که آقای مخبر فرمودند با متولین نیست صحیح است اکثریت با متولین نیست ولی از این نقطه نظر وقتی ملاحظه کنیم تصدیق خواهیم کرد که اگر اکثریت فقرای مالیات بده را روی هم بگذاریم بقدر نصف اغنیاء نخواهد شد و علاوه هیچ ضرری نخواهد داشت که آقایانیکه دارای خانه های بزرگ و یارکها هستند بقدر مواجب یک باغبانم بدوالت بدهند ودولتی که آنقدر بیول محتاج است بکفندی از این زحمت خلاص شود و البته آن اشخاصیکه از پاپیس (اوانی فرمه) خوششان میآید و میل دارند گردو خاک خیابان رزین کالسکشانرا خراب نکنند لازم است یک مقدار هم مالیات بدوالت بدهند که در واقع شود چیز های ضروری را فراهم کرد و نظمی را باین ترتیب نگاهداشت بشود در سایر شهرها هم نظمی تاسیس کرد بنابراین بنده بکلی مخالفم با اینکه لفظ اجاره ذکر شود و شاید اغلب از آقایانم در این موضوع پیشنهاد کرده باشند که بمرض خواهد رسید .

**مدرس** - بنده اصلاً با اینکه در اینجا خانه ها ذکر شده است مخالفت کردم لیکن مسئله جای دیگر رفت و زیادتر اسباب گفتگو شد اصل این لایحه که پیشنهاد شده است با مذاکراتیکه بعضی آقایان می فرمایند بنیابن دارد یک وقت هست که میخواهند یک مالیاتی بر ثروت ببندند آن یک لایحه علیحده لازم دارد که بر ثروت مالیات بسته شود یعنی هر کس هر چه مال دارد در سال یک چیزی بدهد آنوقت خانه های مسکونیم جزو مال میشود چه وسیع باشد چه کوچک ولیکن گمان میکنم مراد آنکسیکه این قانون را پیشنهاد کرده این نباشد یک مالیاتی بروت بسته شود و آن ثروت هم خانه باشد و حالیکه همه میدانند در این مملکت جزء مال حساب نمیشود و باین علت بطبیکار هم نمیدهند و برای رفع احتیاجات شخصی است مثل اینکه آب صرف میکنند و توی کوچه ها راه میروند یک خانه هم بجهت ضرورت زندگانی لازم دارند پس گمان میکنم این مسئله از این لایحه خارج باشد که مالیاتی بر ثروت بسته شود این مالیات است که میخواهند بر منافع مستغلات ببندند بنساعلی ذلک

یکی زیادتر نفع دارد یکی کمتر و لیکن بنده در اصل مطلب عرض میکنم این خانه های اجاره که اینجا نوشته اند خیلی اطلاق دارد مثلاً بنده یک خانه دارم و یک اطاق آنرا بیک کسی اجاره میدهم بهای پنج هزار یا سه قران و هم بطور خیلی از خانه ها هست و مال الاجاره اش سالی پنج تومان است و اگر درست حساب کنیم این مبلغ بخارجش وفا نخواهد کرد علاوه بنده عرض میکنم خوبست تمام مملکت ایران نظر ببندازند و ببینند که در غیر از طهران و مشهد در شهرها و قصبات دیگر خانه های اجاره خیلی نادر الوقوع است خانه اجاره منحصر بطهران و مشهد است یعنی آن شهرهایی را که بنده دیده ام اصفهان و شیراز و بوشهر خانه اجاره نیست فقط در طهران قدری خانه اجاره هست در مشهد هم هست شاید در بعضی از بنا دارم باشد لهذا بنده عرض میکنم خوبست این خانه هاییکه صحبتش در پارلمان زیاد میشود و بالاخره گمان نمیکند چندان نفعی عاید دولت شود از مناده اول این خانه ها را ببندازند و باقی را مطرح مذاکره قرار بدهند و اما آن فرمایشی که آقایان در اصل خانه میفرمایند و خیلی عجیب است همین خانه ها پنج هزار و ده هزار ذری را که میفرمایند صدیک خانه های دیگر نیست و تمام تحصیل بر فقرائی که صاحبان خانهای صذرعی و دویست ذری هستند میشود خوبست آقایان بیرون طهران را ملاحظه کنند و ببینند آن ضرری که بر فقرا وارد میشود صد یک بر اغنیاء وارد نمیشود صحیح است یک یارک و یک خانه ده هزار ذری میشود دولی آن کسیکه یک خانه ده هزار ذری دارد صد نفر آدم در آن ده هزار زرع زندگانی میکنند و اگر حساب کنیم نفی دویست ذرع میشود لهذا بنده تقاضا میکنم (خانه ها) را بکلی از این ماده بردارند بواسطه اینکه دائره وجود کم است و زحمتش زیاد و گمان نمیکند برای دولت عایدی چندانی داشته باشد و در سایر مستغلات مذاکره میکنیم و البته رأی رای مجلس است .

**محل الدوله** - در مذاکراتی که در این قانون مستغلات میشود بنده می بینم یک اشتباهی مابین مالیات عایدات مستغلات و مالیات ثروت شده است این را کاملاً آقای مدرس توضیح دادند مسلم و معق است که باید اول بدانیم مالیات یک وجهی است که تعجیل بر اشخاصی میشود و بعبارة آخری مالیات آن قسمت از عایدات است که هر کس برای انتفاع از آسایش و امنیت مملکت و راه افتادن دستگاه دولت کمک میکند و به همین نظر است که قانون مستغلات را در نظر گرفته اند بجهت اینکه مالیات مستغلات بر قرار بوده و یک چیز تازه نیست منتهی بطور کلی و بیک ترتیب صحیح نه بوده و در جزو جمع های قدیم یک اثری از او هست و الان هم معمول است و میگیرند منتهی به ترتیب صحیح نیست در حقیقت این مالیات یک سهمی است که ساکنین یک شهری برای احتیاجاتیکه دارند و برای امنیت آن شهر کمک میکنند و بعبارة آخری مالیات یک پولی نیست که بطور قهر و غلبه و زور گرفته می شود و اینکه ذکر میشود تعجیل بنده هیچ مسئله تعجیل را نمی توانم قبول کنم بلکه این مالیات یک چیزی است که اشخاص از برای مصارف عمومی و نظمی یک مملکتی شرکت میکنند در اینصورت

چنانچه ذکر شد و یکی از آقایان فرمودند این مالیات مالیات است که بر عایدات بسته میشود و البته همین قدر که امور مالیات مرتب شود چرخهای مالیات خوب بگردش افتاد دولت و مجلس مراقبت خواهند کرد که مالیاتهای دیگر وضع شود و چشمه های عایدات که یکی از آنها هم مالیات بر ثروت خواهد بود زیاد شود بجهت اینکه امور مملکتی بسته به مالیات است که میدهند و البته باید این را هم در نظر داشت که مالیات خوب صرف شود پس بنا بر این مقدمه این مالیات بر عایدات است و قهراً آن خانه هاییکه مسکونی است استثناء میشود بجهت اینکه آنها عایداتی ندارند اما در اینجا بعضی آقایان مذاکره فرمودند که یارکهای دولت هزار ذری مستثنأ خواهند بود و بر خانهای کوچک که باجاره میروند مالیات بسته میشود اولاً اینها دو جنسند و مالیات بر آن مستغلاتی است که بهره اجاره بصاحب میدهند تا باقی از این گذشته اگر بخواهیم بخانهای مسکونی یک نفی ببندازیم و به بنیم آنها درجه حالتی هستند این یارکها را که میفرمایند عبارت از دوسه تا است و از چهار پنج تا تجاوز نمی کنند آنوقت بر میگردیم یک عده کثیری از مردم که شاید خانهای وسیعی بآنها رسیده است و اگر نظر کنیم می بینیم اشخاصی که در آنها نشسته اند حکم سرایدار را دارند و بفلکات زندگانی میکنند که شاید مشتری برای آنها پیدا کند چنانچه اگر امروز اعلان شود ما میخواهیم دوهزار خانه بخریم پنج هزار نفر رسید فروش حاضر میشوند بجهت اینکه صاحبان آنها محتاج و در حکم سرایدار هستند و اگر درست برانی این خانها را ملاحظه کنند خواهید دید که بقدر تعمیر کردن آنها ندارند و این خانها ارتباباً آنها رسیده و بگردنشان افتاده است پس وقتیکه از آنها تقاضای یک مالیاتی بشود خواهند گفت مشتری پیدا کنید تا من اجاره بدهم یکی میگوید من یکی دو اطاق بیشتر لازم ندارم این جا بیرونی و اندرونی و سرطوبله دارد من دو اطاق حاضر می بینم بقیه آنها را شامساجر پیدا کنید و یا بفروشید مشتری هم پیدا خواهد شد پس بر طبق قانونیکه میگردد و اگر بنا شود از اینها مالیات گرفت میآیند و این خانها را بمناسبت خانهای مجاور تقویم میکنند و میگویند این خانه در ماه سی تومان اجاره دارد هر چه بگوئیم من پنجاه تومان عایدی برای مخارج خود ندارم این خانه بگردن من افتاده نمی توانم بگذارم و بروم کسی از او قبول نخواهد کرد باین ملاحظاتی بود که کمسیون اینها را مستثنی کرد اما در مقابل فرمایش یکی از آقایان که فرمودند کلیه خانها را مستثنی کنیم اینطور نیست برای این که اگر بخواهیم خانهای را که باجاره داده می شود در مستغلات و داکین مستثنی کنیم و فقط از داکین و مستغلات تقاضای مالیات بکنیم طولی نمیکشد که یک عده زیادی از اشخاصیکه پول شانرا مصرف ساختن دکاکن و رفع احتیاج مردم میکردند من بعد نوشته شده است باز آن اشخاص تعجیل نمیکند اینجا ذکر شد که این مالیات روی دخل عایدی گذاشته شده است بنده عرض میکنم چه ضرر دارد که این مالیات

میشود احتیاج بخانهای اجاره می زیادتر میشود و هر قدر تمدن زیادتر شود مردم میدانند نباید خانها را نگاهدارند و معطل کنند اجاره میدهند مالیات هم میدهند بخصوص وقتیکه مصرف صحیح هم در نظر گرفته باشیم که آن مصرف مصرف امنیت و انتظام شهر باشد چنانچه در نظر گرفته شده است هر مالیات که در شهر بسته میشود به مصرف نظمی و امنیت آن شهر رسد پس خوبست آن آقایان که در نظر دارند خانهای مسکونی مالیات بدهند در همین قانون نظر کنند که نوشته شده است اگر یک دکان ۳ ماه بی اجاره ماند از مالیات معاف است و خانهاییکه با اجاره گرفته است خیلی هستند و میتوانم بطور تحقیق عرض کنم که از ده قسمت دو قسمت خانها برای اجاره حاضرند در این صورت از آنها نمی شود مالیات گرفته یعنی خیلی ظلم است و زحمت هم دارد و آنها جز اشخاص با ثروت نیستند و فقط یک ثروت منفی دارند یعنی وقتیکه بدرشان برسند می بینند که خانهاشان دوسه جا گره است .

**وحید الملک** - خیلی خوب بود که دولت اصلاً مالیات نمی گرفت یعنی از برای هیئت مقننه یک نیک بختی بود که هیچوقت داخل این بحث نمی شد هیچ مالیاتی وضع نمی کرد بجهت اینکه بالاخره وضع مالیاتها منجر بعدم رضایت میشود مردم دراصل بدان مالیات راضی نیستند اما بدینگونه تجربه با آموخته است که عایدی مستقیم دولت رفع حوائج دولت را نمی کند یعنی عایدات خالصه و عایدات دیگر دولت از قبیل فروختن تبر بستخانه و تلگراف خانه که عایدات مستقیم دولت است رفع حوائج دولت را نمی کند قشون از برای دولت نمی شود و ژاندارم و نظمی نمی شود بالاخره هیئت مقننه مجبور می شود بر اینکه از برای رفع حوائج دولت وضع مالیات کند آنوقت است که اول تولید اشکالات ولی بالاخره در فلسفه مالیات گذاری سه چیز باید ملحوظ شود یکی اینکه از روی مساوات و اعتدال واقعی مالیات بسته شود و یکی این که عملی باشد دیگر آنکه دارای نتیجه باشد یعنی یک نتیجه مطلوبه برای دولت حاصل شود حالا از روی این نظرها باین قانون نگاه میکنیم بعضی از آقایان فرمودند که این مالیات از روی عدالت نخواهد بود باین معنی که یک تعجیلی بر یک دسته از مردم و بر دیگران تعجیلی نمی شود آقای مخبر هم گویا فرمودند در صورتیکه بخانهای شخصی و مستغلاتی که استفاده خصوصی از آنها میشود مالیات بسته شود عملی نخواهد بود اما راجع به موضوع اول یعنی آنهاستیکه میگویند این قانون یک تعجیلی بر یک عده مردم که از ضعیف هستند خواهد کرد و اقتیاً رأی خارج کرده است متأسفانه بنده می بینم عهده خود همین است مخصوصاً در این مملکت می بینم قسمتی از مردم بطور عموم تا بحال مالیاتهای بانواع و اسامی مختلف میدادند ولی بطور غیر منظم و بطریقی که دولت استفاده صحیح از آنها نمیتوانست بکند ولی آنهاست که ممکن بوده است مالیات صحیح بدهند و استفاده عهده از مملکت میکردند متحمل مخارج آن نمیشدند و این قانون هم بطوریکه اینجا نوشته شده است باز آن اشخاص تعجیل نمیکند اینجا ذکر شد که این مالیات روی دخل عایدی گذاشته شده است بنده عرض میکنم چه ضرر دارد که این مالیات

روی استفاده گذاشته شود این مالیات مالیات در آمدی نیست که آقای مدرس فرمودند بر روی عایدات مستقیم اشخاص است مالیات باید بر روی استفاده املاک چه ساخته چه نساخته بر روی همه باید گذاشته شود این مالیات بر روی املاک ساخته خواه استفاده خصوصی از آن بشود خواه استفاده عایدی باید گذاشته شود تا زکی هم ندارد و در همه جا رسم است بر روی املاک ساخته که مالیات بلکه سه مالیات گذاشته میشود یکی مالیات عایدی است که روی املاک و مستغلات اجاره است یکی روی املاک ساخته است که استفاده خصوصی از آنها میشود حتی از در و پنجره و هوای خانه مالیات بگیرند یکی دیگر هم مالیات بلدیست که از برای بلدیة و نظمی شهر گذاشته میشود و یکی دیگر هم مالیات معله است که از برای مریضخانه ها و مدارس مجانی معله گذاشته میشود بالاخره این یک چیز تازه نیست بهتر این است که در این قانون دو چیز جمع شود یکی اینکه از عایدی املاک ساخته اجاره مالیات گرفته شود و یکی اینکه در روی استفاده خصوصی املاک ساخته که خانها و یارکهای خصوصی باشد مالیات گرفته شود فلسفه اش که معلوم است برای اینکه بالاخره این مالیات بساید از برای نظمی و امنیت شهر صرف شود دهر جائیکه ممکن است نظمی بر قرار شود ممکن است ممیزی کنند و شروع بگرفتن مالیات از مستغلات نمایند و مستقیماً بصرف نظمی برسانند بالاخره نظمی باید از یک جائی درآمدش پیدا شود ما که بنفدر آمد خصوصی از برای نظمی نداریم بهتر این است که همین جا برای داشتن یک نظمی صحیح شروع کنیم و در هر جا که ممکن است نظمی دائر کنیم امنیت آنجا را بواسطه گرفتن همین مالیات تضمین کنیم و ضمناً بیک ترتیبی باشد که تعجیل بر ضعیف و فقرا نشود و بکشد خانهای خصوصی را که کوچک هستند و صاحبان آنها بی بضاعت هستند از این قانون خارج کنیم و باقی را که متعلق باشخاص متول یا اشخاصیکه تا حدی بی بضاعت نیستند صاحبان آنها را بدان مالیات برای امنیت شهر و اطراف شهر مکلف کنیم بعقیده بنده خارج از عملی بودن هم نیست برای اینکه برای این کار یک ممیزی و دفاتری لازم است که هر شهری و هر جائیکه این مالیات بر قرار میشود باید یک دفاتر مخصوص داشته باشد و آن اداره که از برای اینکار برقرار میشود ممکن است شروع بممیزی و نگاهداشتن دفاتر مخصوص برای کلیه املاک ساخته و مستغلات و بعضی چیزهای دیگر که در اینجا حذف شده است بکنند که در آن دفاتر کلیه مستغلات شهر ثبت شده باشد که بعد ها هم برای احصایه ها خیلی مفید میشود پس این دو جنبه که عرض کردم که یکی رعایت تمامان و یکی رعایت بودن در این قسم ملحوظ میشود و اما راجع به مسئله سوم (یعنی نتیجه) آنرا حالا نمیتوانم بدست میآید یانه و هنوز داخل عملیات این مالیات نشده ایم و فی الحقیقه نمیتوانم چه قدر مالیات با عاید خواهد شد ولی اگر همین طوریکه امروز اینجا نوشته شده است فقط از مستغلات اجاره مالیات بگیریم یک نتیجه خیلی کمی با عاید خواهد شد و بنده یقین دارم یک مبلغ خیلی کمی خواهد بود و شاید بیش از خرج



دفتر داری و اداره که برای اینکار تهیه میشود باید نشود اما اگر شروع کنیم به میزبانی شهرها و این عایدی را توسعه بدهیم یقین دارم یک عایدی صحیحی از این فقه باواصل خواهد شد و یک تکمیل زیادی هم بماند مردم نخواهد شد پس باید نظرها که عرض کردم اولاً رعایت اعتدال و تعادل اقتصاد میکند که جاهای خصوصی و باغها و ویار کها هم یک سهمی در دادن این مالیات برای حفظ خودشان و نظم شهر و امنیت اطراف داشته باشند و ثانیاً این کار عملی میشود که بالاخره نتیجه مطلوبه بدست میآید این راجع بکلیه این ماده بود ولی چند فقره جزئی هم بود که میخواستم خاطر نشان آقای مخبر بکنم یکی اینکه لفظ مستغلات را در اینجا تفسیر و معنی نکرده است بهتر این است در این قانون که قانون مستغلات است لفظ مستغلات باملاک غیر منقول ساخته تفسیر شود یا یک ترتیب و وضع دیگری این لفظ تفسیر شود یکی دیگر اینکه در این ماده لفظ (و غیره) نوشته شده است (و غیره) قانونی نیست لفظ غیره در موارد قانونی خودش یک تفسیری لازم دارد دیگر اینکه مینوسد (و میداند) بنده گمان نمیکنم میدان جزم مستغلات باشد آنها را که بنده دیده‌ام یقین ندارم که ساختمانی داشته باشد و جزء مستغلات باشد کاروانسرا صحیح است امامیدان جزء مستغلات نمیشود دیگر اینکه یک چیز خیلی مهم است حذف کردن مثلاً کارخانه جات را اسم بنده در حالی که کارخانجات در هر شهری خیلی مهم است دیگر آسیابها که در اطراف شهر است و ممکن است یک عایدی خیلی خوبی بدوات بدهد بالاخره پس از این عرایض ماده اول بعقیده بنده اگر این طور نوشته شود بهتر خواهد بود که برای کلیه مستغلات یعنی املاک غیر منقول ساخته از قبیل خانهها و مغازه ها و دکا کین و انبارها و کاروانسراها و مهمانخانهها و نمایشگاهها و بیخچالها و قهوهخانهها در شهرها و قصبها همه مالیات مستغلات برقرار میشود و چه نه چه عرض کردم آسیابها و کارخانجات را هم باید اضافه کنند و لفظ غیره که خودش باید تفسیر شود حذف شود و بالاخره اگر این کلمه را حذف بفرمایند و مستغلات را تفسیر کنند کافی خواهد بود لهذا بنده پیشنهادی کرده‌ام و تقدیم میکنم شاید پسند شود.

**سردار معظم مخبر** - آقای وحیدالملک با یک فصاحت و بلاغت کاملی عقیده مصنفین بزرگ اروپا را در کتاب خانهاشان دارند و بنده هم دارم بیان فرمودند ولی در اینکه امامام مقتضیات اجراء آن عقاید در این جا موجود هست یا نیست ممکن است میانه بنده و ایشان اختلاف نظری حاصل شود البته اگر در ایران تمام مقتضیاتی که در فرانسه موجود است موجود بود هیچ محتاج نبودیم که خودمان را زحمت بدهیم و یک مواد مخصوصاً که موافق با مقتضیات مملکت باشد بنویسیم و تمام فرمایشات را که فرمودند از آن کتب بر میداشتم و همینها بفراسوی ترجمه میکردیم و اجرا میکردیم و ایکن بدبختانه باخوش بختانه اختلاف قوانینی که در تمام عالم هست بواسطه مقتضیات مملکت است باین واسطه در یک مملکتی که مقتضی این است که یک قانون برقرار شود در حالی که در مملکت دیگر بواسطه همان مقتضیات مملکت باید آن قانون جرح و تعدیل شود و طور دیگر نوشته

شود البته در مملکت ما هم اگر مثل جا های دیگر اکثر مردم در خانههای اجازه زندگانی میکردند و اغلب خانها در دست متولین تمرکز پیدا میکرد البته بنده هم تصدیق میکردم ولی البته تصدیق میفرمایند که در مملکت ما بکللی برخلاف این است در مملکت ما اشخاصیکه در خانههای اجازه زندگانی میکنند نسبت باشخاصیکه در خانههای شخصی منزل دارند بدون تفاوت ثروت (چه منزل کردن در خانههای شخصی در ایران هنوز علامت دارائی نیست در صدی یک یا دو در است پس اکثر مردم را باید تصور کرد که در خانههای شخصی خودشان سکونت دارند) این طبیعت مملکت ماست حالا اگر بدهد اوضاع تغییر بکند مردم عادت بکنند که در خانههای اجازه منزل کنند چنانچه از چند سال باین طرف در طهران رو باین طریق میرویم) آن یک بحث دیگری است ولی وقتیکه قانون میگذاریم باید ملاحظه اوضاع حاضر مملکت را بکنیم چنانچه عرض کردم فقط مضی اشخاص هستند که خانههای شخصی دارند و در خانههای اجازه زندگانی میکنند بهمین نظر کمسیون قوانین مالیه اساس این لایحه قانونی را بر املاک مستقل قرار نداد بجهت اینکه اگر این اساس را اتخاذ میکردیم فقرا بیشتر تعدی میشد تا بر متولین بجهت اینکه آن عده که متمول هستند و خانههای وسیع دارند و برای آنها دادن مالیات هیچ نوع تحمیلی نخواهد بود یک عده قلیلی هستند ولی آن عده که در خانههای خودشان منزل دارند و بضاعتی ندارند عدهشان خیلی زیادتر است و فقط از بابت مسکن خودشان مطمئن و آسوده خاطر هستند و وقت خودشانرا صرف کسب روزی میکنند وقتیکه بنا شد یک همچو ترتیبی را برای کلیه مستغلات قرار بدهیم این یک تحمیلی بر آن مردم بیچاره خواهد بود در آن جا در ضمن فرمایشات خودشان بیان فرمودید که در مالیات هائی که ما تا بحال وضع میکردیم متولین معاف بودند من تصور میکنم اشتباه فرمودید بجهت اینکه تصدیق خواهید فرمود که یک قسمت اعظم از مالیات مستقیم ما از املاکی است که صاحبان آنها جزء متولین محسوب میشوند مالیات املاک شانرا میدهند پس در دادن یک سهمی از عایدات خودشان شریک هستند فرمودند در مالیات باید اساس مساوات باشد عملی هم داشته باشد هر سه اینها را بنده تصدیق دارم و میگویم در این لایحه هر سه مراعات شده اما آن قسمتی که راجع بر رعایت مساوات است ما میگویم هر کسی که از این راه یعنی از راه داشتن املاک مستقل یک عایداتی دارد یک قسمت از عایدی خودش را بدولت بدهد اعم از اینکه فنی باشد یا فقیر هر که میخواهد باشد میگویم یک قسمت از عایدی خودش را بدولت بدهد پس اساس مساوات کاملاً منظور شده است بجهت اینکه ما هیچ کسرا استثناء نکرده ایم بجز در اینیکه یک کسی یک عایدی دارد میگویم باید یک قسمت از آنرا بدولت بدهد عملی بودن هم بیشتر از آن نظر جنابمالی ملحوظ شده است بجهت اجرای آن دچار اشکالات نشویم و تصدیق خواهند فرمود که اگر ما یک مرتبه بدون تجربه بطور (توری) وضع میکردیم که مالیات مستغلات باید بر تمام مستغلات تعلق بگیرد آنوقت من نمی دانم چه طور مطمئن میشدیم که این قانون قطعاً در تمام بلاد

ایران اجرا شود من تصور میکنم که یک قدری باید زیادتر در این مسئله مطالعه کرد و قدم اولی را برداشت یعنی ابتدا یک مالیاتی بر عایدات مالک از راه داشتن املاک مستقل بر قرار کرد و پس از یکی دو سال دیگر قدم دوم بر داشت و هر وقت که مقنن آنان مقتضی داشت تجدید نظر در این قانون بکند قدم دوم را بر دارد و خانههای مسکونی را بیک شرایط معینی داخل کند و اما دارای نتیجه بودن این یک چیز است که برای بنده و جنابمالی هر دو نامعلوم است بجهت اینکه هنوز نمی دانیم چه قدر املاک است و چه قدر عایدی خواهد داشت و ما از آنها چه قدر مالیات خواهیم گرفت این یک چیز است که فقط تجربه و عمل به ما نشان خواهد داد پس بنا بر این که شرط آنرا که فرمودند کاملاً در این مسئله مراعات شده شرط سوم شاید مراعات شده باشد شاید مراعات نشده باشد در هر صورت بعقیده بنده در وقت عمل تجربه بما نشان خواهد داد که در این شرط هم مراعات شده است بنا بر این بنده تصور میکنم خوب است یک قدری از نظر باتیکه در سایر جاها ملحوظ میشود صرف نظر کنیم و یکفهری ملاحظه کنیم که در این قانون هم مثل قوانین دیگر بدون اجراء نماند یعنی یک قدری عملی تر بشویم و با اطلاعاتیکه ز قانون گذاری سایر جاها داریم مقتضیات مملکت خودمان را در نظر بگیریم و طوری قانون وضع کنیم که بعد از اینکه قانون از مجلس گذشت دچار معظورات نشویم

**رئیس** - مذاکرات کافیست؟ (گفته شد کافی نیست) - رای میگیریم - آقایانیکه مذاکره را کافی میدانند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - مذاکرات کافی است - چهار فقره پیشنهاد رسیده قرائت میشود

(چهار فقره پیشنهاد بضماین ذیل قرائت شد)

(پیشنهاد مشارالدوله)

بنده پیشنهاد میکنم که خانههای شخصی هم از مالیات معاف نباشد

پیشنهاد مؤیدالاسلام

بنده پیشنهاد می کنم که خانههای ملکی که کمتر از یانصد ذرع مساحت دارد از دادن مالیات مستغلات معاف باشند لیکن خانههاییکه زائد از یانصد ذرع مساحت دارند باید مالکین آنها از عهد مالیات مستغلات بر آیند

(پیشنهاد آقای سردار سعید)

پیشنهاد می کنم که خانههای ملکی که مالک در او ساکن است تا میزان ۱۲۰ تومان در تهران و ۶۰ تومان در ولایات اجازه سالیانه از مالیات مستغلات معاف باشد و بیش از این مبلغ مالیات خود را مطابق معمول بپردازد

(پیشنهاد وحید الملک)

پیشنهاد می کنم ماده اول اینطور نوشته شود برای کلیه مستغلات یعنی املاک غیر منقول ساخته در شهرها و قصبها همه مالیات مستغلات برقرار میشود

**رئیس** - چنانچه ملاحظه می فرمائید یک قسمت از این چهار فقره پیشنهاد حذف لفظ اجازه از ماده اول لایحه است در آن رای می گیریم اگر تصویب شد بعد باید در مستثنائیکه آقای مؤید الاسلام و سردار سعید متذکر شده اند رای بگیریم با مستثنای

آقای مؤید الاسلام راجع است تمام املاک مهم از اینکه شخصی باشد یا اجازه و استثنای آقای سردار سعید راجع است بخانههای مسکونی پیشنهاد وحیدالملک هم راجع بتغییر لفظ مستغلات است

**مخبر** - بعقیده بنده در ماده پیشنهادی گرفت چون شورا ل است

**رئیس** - راجع بماده نیست راجع به پیشنهاد است

**مخبر** - چون فرمودید با حذف کلمه ( اجازه) باید رای گرفت

**رئیس** - خیر لغت پیشنهاد آقای مشارالدوله در واقع همین ماده است با حذف لفظ اجازه چون آقایان رای می دهند باید بدانند بچه رای میدهند اصلاحی هم از طرف آقا مدرس است قرائت میشود (بضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده اول قانون مستغلات بدون خانها نوشته شود

**رئیس** - اول باید رای بگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای مشارالدوله پیشنهاد آقای وحیدالملک را با مستثنای آنرا می گیریم در این موضوع با آقای وحیدالملک که میفرمایند این مالیات مالیات استفاده است موافق هستیم و در این خصوص که آقای مخبر فرمودند بیشتر خانها بیکه در طهران و اطراف هست ملکی است اگر بخواهیم این مالیات را فقط بر خانههای اجازه قرار بدهیم ممکن نیست ما بتوانیم یک استفاده کامل از این مالیات بکنیم پس باید بخانههای شخصی هم مقداری از این مالیات تعلق بگیرد اما اینکه آقای مدلل الدوله فرمودند خیلی اشخاص هستند که بی چیزند ولی خانه ملکی دارند عرض میکنم هر چه بی چیز و ندار باشد از آنها بیکه خانه دار نیستند و خانه اجازه می نشینند متمول تر هستند باین جهت بنده پیشنهاد کردم در شهر تهران خانه که سالیانه یکصد و بیست تومان یعنی ماهی ۱۰ تومان اجازه آن باشد و در سایر جاها خانه که اجازه آن سالیانه شصت تومان است از این مالیات معاف باشد از این مبلغ که بیشتر شد آنوقت از آنها مالیات گرفته شود

**رئیس** - این سؤالیکه بنده کردم برای این بود که مستثنای از ماده ششم نوشته شده اگر بخواهید بهتر این است که در جزو ماده ششم در پیشنهاد جنابمالی رای گرفته شود

**سردار سعید** - بسیار خوب ضرر ندارد

**رئیس** - حالا پیشنهاد های وحیدالملک راجع بتفسیر لفظ مستغلات رای میگیریم

**سردار معظم مخبر** - این لفظ محتاج به تفسیر نیست و کلیه لفظ مستغلات مفهوم معینی دارد و هر وقت ملک مستقل میگویند مراد از آن معلوم است همین چیزها است که در آنجا ذکر شده است و اما لفظ (و غیره) که نوشته شده است برای این است که اگر بعداً چیز دیگری ایجاد شود که غیر از آنها باشد آنها را هم شامل شود

**وحیدالملک** - عرض کردم اینطوریکه در این جا نوشته شده صحیح نیست و لفظ مستغلات باید تفسیر شود و اینطوریکه بنده تفسیر کردم طوریکه که بر یک مستغلات تعیین میکردیم تعیین املاک غیر منقول ساخته این یک نظریست که بنده در این جا داشتم و عرض کردم بملاوه نظر آقایانیکه این ماده را

نوشته اند که باملاک غیر منقول ساخته مالیات بسته شود این ماده این معنی را نمی رساند چنانکه عرض کردم در اینجا کارخانه جات و آسیابها و امثال آنها را حذف کردند و یک لفظ کنگی را (که لفظ غیره باشد) و خودش باید تفسیر شود ذکر نمودند لهذا بنده در اینجا از نقطه نظر خودم لفظ مستغلات را تفسیر کردم و این دو کلمه را هم در پیشنهاد خودم نوشتم

**سردار معظم مخبر** - البته اگر ماده دوم را ملاحظه میفرمودند رفع اشکالات ایشان میشد و بازم عرض خود را تکرار میکنم که در ایران وقتی میگویند مستقل معلوم می شود که مقصود چیست و محتاج بتفسیر نخواهد بود

**رئیس** - باید رای بگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای وحید الملک نه در تمامش بلکه در آن قسمتی که لفظ مستقل را تفسیر کردند رای میگیریم به پیشنهاد آقای وحید الملک که لفظ مستقل را باملاک غیر منقول ساخته تفسیر میکند - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای مدرس مجدداً قرائت میشود و رای میگیریم

(بضمون فوق قرائت شد)

**مخبر** - بازم تکرار میکنم که پیشنهاد آقای مدرس برخلاف اساس این قانون است ما میگویم به تمام املاک مستقل و خانه وقتیکه اجازه میروند و عایدی دارد باید مالیات وضع شود استدعا میکنم بفرمایند خانه با دکان چه فرق دارد اگر از نقطه نظر معاش است ممکن است دکان هم یک مستغلی باشد که محل معاش بنده باشد اگر خیر اساس این قانون بر این است که شخصی ار راه عایدی مستقل باید مالیات بدهد دیگر بنده نمیدانم آقاچه ایرادی دارند و از چه نقطه نظر این پیشنهاد را میفرمایند

**مدرس** - گویا درست بررسی که آنوقت بنده کردم التفات و توجه نفرمودند بنده دو وجه عرض کردم و هیچ کدام را جواب نفرمودند یکی اینکه گفتم این ماده اطلاق دارد و شاید کسی یک اطلاق در خانه اش دارد اجازه میدهد این مطلب را جواب ندادند و یکی دیگر عرض کردم مواد این مستقل در مملکت ایران نادراست و مالیات بر مواد نادر وضع کردن زحمتی زیادتر از عایدی آن است بلی شاید پنجاه صد سال دیگر خانه اجازه در این مملکت زیاد شود ولی در این زمانها منحصر است بیک دو شهر پس چون موضوع آن کم و نادراست بر موضوع نادر مالیات وضع کردن که اداره مالیات تأسیس شود و بهر جائی مأورد برود زحمتش زیاد تر از نفعش خواهد بود و صدمه آن عمومیت پیدا خواهد کرد حالا خوبست یک قسمتی جواب بفرمایند که آن اشکال اول دفع و معلوم شود فائده آن چقدر است و همینطور جوابی برای اشکال دوم که در موضوع نادر مالیات وضع کردن باشد بدهند که بدانیم از روی چه فلسفه است چنانچه عرض کردم شاید بعد از این در شهرها خانه اجازه زیاد شود والا این ترتیب مطابق با فلسفه نیست

**مخبر** - تصور میکنم هیچ يك از این اشکالها وارد نباشد اما اینکه میفرمایند این قانون بطور



مطلق نوشته شده است و ممکن است يك كسى خانه داشته باشد که دواطافش اجاره بدهد عرض میکنم در این مواد هیچ کس مانع نخواهد بود و اگر ملاحظه موارد استثناء را در ماده ششم بفرمایند معلوم خواهد شد که این ایراد در اینجا وارد نیست و اما اینکه میفرمایند که موارد این مالیات نادر است عرض میکنم راست است اگر بنای این قانون و این مالیات گذاری ما فقط خانههای اجاره داده بوده بنده هم با آقا موافق بودم و هیچ ازومی نداشت این قانون بمجلس بیاید بواسطه این که عایدات آن يك چیز قلبی میشد ولی مورد این مالیات منحصر بخانههای اجاره نیست و منابع مقدار دیگری دارد من جمله خانههایی که اجاره داده میشود و آقا میفرمایند کم است بسیار خوب اگر دولت این عایدات را ولو کم باشد بگیرد چه ضرر خواهد داشت ذره ذره وقتی جمع شد زیاد میشود بعلاوه ما شامل کردن مالیات بر خانههای اجاره آن نقطه نظر مهم را که نظر مساوات است در وضع این قانون مراعات کرده ایم ما گفته ایم از عایدات املاک مستغل هر چه باشد يك سهمی بعنوان مالیات میگیریم پس وقتی که ما این نظر را داشته باشیم آنوقت این دلیل حضرتعالی بهیچوجه مقنن نخواهد بود و در این صورت نمی شود مجلس را مجبور کرد باین پیشنهاد رای بدهد .

**رئیس** - رای می گیریم بقابل توجه بودن اصلاح آقای مدرس - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(عده قلبی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد - اصلاح آقای مبصر الملک قرائت میشود .

بمضمون ذیل قرائت شد

بنده پیشنهاد می کنم طاحونه ها و کارخانه ها هم در ماده اول اضافه شود .

**سردار معظم** - محض اطلاع عرض میکنم که نه این بود که طاحونه ها در نظر کمیسیون نبوده است ولی چون طاحونه ها مستغلات نیست که اغلب در خارج از شهرها و قصبات عمده واقع است اگر مادر این لایحه طاحونه ها را اسم میبردیم يك ضرری عاید دولت میشد زیرا فعلا اغلب طواحين در جزه املاک مالیات میدهند و مالیاتشان هم خیلی زیاد است و از قرار صدی ده میدهند پس برای اینکه این خسارت بدولت داده نشود مخصوصاً از طواحين اسمی برده نشده اما کارنجات را که فرمودند کارخانجات بآن معنی که در سایر جاها است ما نداریم بجهت اینکه هر نوع کارخانه داشته باشیم در يك محلی واقع است یا در کاروانسرا است یا دکان است علی ای حال در هر نقطه باشد در این قانون ذکر شده است خود اهل صنعت که مالیات نمیدهند این مالیات صنعتی نیست بلکه از عایدات آن محل و مسکن این مالیات گرفته میشود و اغلب کارخانجات در کاروانسرا است که این قانون شامل حال آنها شده و اینکه مخصوصاً ذکر از آنها نکردیم باینجهت بود که ترسیدیم اگر اسم کارخانجات را ببریم و در موقع کارخانه جایی تاسیس کنیم آنوقت يك اشتباهی ما بین مالیات اضافی که داریم با مالیات مستغلات بشود و با يك دیگر مخلوط شود باینجهت از ذکر این کلمه صرف نظر شد .

**مبصر الملک** - بنده در باب طواحين با آقای سردار معظم موافق هستم و در این قسمت پیشنهاد

خودم رایس میگیرم ولی در باب کارخانجات بهیچوجه موافق نیستم بملاحظه اینکه خیلی کارخانجات است که در حال احداث شدن است از قبیل کارخانجات برق و بنبه که مفصل دایر میشود و آنها بهیچوجه مالیات نمیدهند در صورتیکه نظر باینکه گرافیکه میبرند باید يك مالیاتی هم بدهند پس بعقیده بنده کارخانجات حتما باید اضافه شود .

**رئیس** - طاحونه رایس میگیرند

**مخیر** - دو باره تکرار میکنم اولاً کارخانه چراغ برق که میفرمایند دوتا است یکی در طهران و یکی در مشهد که مال آستانه مقدسه است اما کارخانه بنبه و کارخانجات دیگر را میفرمایند البته تصدیق خواهند فرمود که آنها اغلب در کاروانسرا است این قانون شامل حال آنها شده و مطابق این قانون باید مالیات بدهند .

**رئیس** - رای بگیری در اصلاح آقای منتصر - الملک آقایانیکه اصلاح ایشان را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(عده قلبی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای میرزا محمد علیخان قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده اول قانون مستغلات این طور نوشته شود

برای کلیه مستغلات خانه هائیکه زیاد از سیصد ذرع مساحت دارد و مغازه ها و دکان و انبار ها و کاروانسرا ها مهمانخانها نمایش گاه ها یخچال ها قهوه خانها در کلیه شهرها و قصبات عمده مالیات مستغلات برقرار شود

**رئیس** - بنده گمان میکنم باین پیشنهاد نتوانستیم رای بگیریم برای آنکه يك قسمت آن همان پیشنهاد آقای مشارالدوله است و يك قسمتش راجع بمسئولیت است که در ماده ششم میاید فقط چیزیکه بتوانیم در آن رای بگیریم همان طاحونه است

**مخیر** - طاحونه و کارخانه هم که رد شد

**رئیس** - کارخانه رد شد طاحونه را پس گرفتند .

**میرزا محمد علیخان** - بنده هم پیشنهاد خودم را مسترد میکنم .

**رئیس** - بسیار خوب مسترد میکنند - چون ۵ ساعت از شب گذشته اگر آقایان موافق باشند جلسه را ختم میکنیم و جلسه آتی را بشب ۲۴ موکول میکنیم .

**سایمان میرزا** - بنده گمان میکنم پیشنهاد آقای حاج عزالمالک راجع بمالیه همانطوری که در اول جلسه آقای رئیس اهمیت آن را خاطر نشان فرمودند خیلی مهم است و ممکن است چنانکه در بدو امر فرمودند همین امشب نیم ساعتی یا یک ربعی کمیسیون قوانین مالیه منعقد بشود و راپورت آن تهیه بشود و بمجلس بیاید بواسطه اینکه وزارت مالیه فعلا نه وزیر دارد و نه معاون اگر کمیسیون ۳ نفری هم نباشند هر روز مایک ضرری میکنیم فعلا یکساعت و نیم تا وقت سحر وقت داریم در این ساعت دیگر هم این قانون تصویب شود که لا اقل مالیه تا آن وقتی که ترتیبی پیدا میکنند يك مسئولی داشته باشد جلسه علنی هم که میرود تا هفته دیگر .

**رئیس** - گمان میکنم در این باب مانعی نباشد بجهت اینکه از يك جانی هم خواهش شده است که آقایان بقدر نهماست در اینجا تشریف داشته باشند در این صورت چون تشریف دارنند ممکن است کمیسیون قوانین مالیه هم منعقد شود و پیشنهاد آقای حاج عزالمالک رسیدگی کنند و بعد بمجلس بیاورند و رای بگیریم .

**سردار معظم** - کمیسیون قوانین مالیه هم حاضر است همین امشب منعقد شود و راپورت را حاضر کند .

**رئیس** - پس تنفس داده میشود .

(در این موقع تنفس شده و پس از یکساعت مجدداً جلسه تشکیل گردید .

**رئیس** - راپورت کمیسیون قوانین مالیه راجع به طرح آقای حاج عزالمالک قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

نظر باینکه مدت مأموریت کمیسیون تفنیش مالیه منقضی شده و تا تشکیلات کمیسیون تطبیق حوالجات لازم است هیئتی از طرف مجلس شورای ملی نظارت در پرداخت کلیه مخارج مملکتی داشته باشند لهذا این بنده ماده واحده ذیل را پیشنهاد مجلس شورای ملی نموده و تقاضای فوریت آنرا مینمایم .

ماده واحده - از تاریخ یازدهم سرطان توشقان نیل سنه ۱۳۲۳ کمیسیون نظارت و تفنیش مالیه با حدود اختیارات قانون مصوب ۲۸ حوت بارس نیل ۱۳۲۳ کمافی السابق تا مدت یکماه برقرار خواهد بود پس از آنکه کمیسیون تطبیق حوالجات مطابق قانون تشکیلات مالیه انتخاب گردید . این کمیسیون منحل خواهد شد .

**رئیس** - در این ماده مخالفی هست یا نیست مخالفت نشد - رای میگیریم بماده واحده آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند نمایند .

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد - جلسه آتی اگر مخالفی نباشد میماند برای شب ۲۵ برای معرفی هیئت وزرا هم تا فردا یا هر موقعی که مقتضی باشد به آقایان اطلاع داده میشود چون جلسه فوق العاده لازم خواهد شد و قبل از شب ۲۵ منعقد خواهد شد دستور شب ۲۵ قانون مستغلات و سه فقره اعتبارنامه های آقایان قوام الدوله و آقا شیخ ابراهیم زنجانی و صدرالاسلام خواهد بود .

(مجلس شش ساعت ونیم از شب گذشته ختم شد)

**جلسه ۵۸**

**صورت مجلس روز چهارشنبه بیست و دوم شهر رمضان ۱۳۲۳**

مجلس يك ساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس شب هجدهم قرائت شد .

**رئیس** - در صورت مجلس آقایان ملاحظاتی دارند یا خیر؟ (اظهاری نشد) ملاحظاتی نیست؟ صورت مجلس تصویب شد چنانچه در صورت مجلس قرائت شد بنا بود شب بیست و پنجم جلسه داشته باشیم بطوری که اینجا نوشته شده گفته شد که اگر جلسه فوق العاده لازم شود با آقایان عرض خواهد شد این بود که امروز با آقایان خیردادم تشریف بیاورند وقایع گذشته خیلی است که البته آقایان مطلع هستند و خلاصه آن